

صاحب امتیاز: بنیاد رسالت
مدیر مسئول: محسن پیرهادی
سردبیر: مسعود پیرهادی
<div><div> </div><div>نشانی: تهران، خیابان استاد نجات‌اللهی جنوبی</div><div>خیابان شهید اسماعیل محمدی - پلاک ۱</div></div>
<div><div> </div><div>کد پستی: ۱۹۹۹۶۷۶۱۱</div><div>تلفن: ۱۰-۸۸۹۱۰۸۰۶</div></div>
<div><div> </div><div>تلفار: ۰۶۷۸۸۹۰۸۸۹</div><div>چاپ: صمیم؛ تلفن: ۴۴۵۳۳۷۲۵</div></div>

روزنامه سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی صبح ایران

پنج‌شنبه
۳۰ مرداد ۱۴۰۴
۲۷ صفر ۱۴۴۷
۲۱ آگوست ۲۰۲۵
سال چهارم
شماره ۱۱۲۱

WWW.RESALAT-NEWS.COM	
اوقات شرعی	
اذان ظهر: ۱۲:۰۷	
اذان مغرب: ۱۹:۰۵	
اذان صبح فردا: ۳:۵۸	
طلوع آفتاب فردا: ۵:۲۸	

خواندگان همروزنامه رسالت می‌توانند

پیام‌های خود را به سامانه‌های

۰۰۰۲۱۸۸۹۱۰۸۰۸

۵۰۰۱۰۶۰۶۵۸۱۱۹

پیامک کرده و مسائل و مشکلات خود را بیان نمایند.

بی‌سرانه منتظر پیام‌های گرم شما هستیم.

فناوری‌های نو ظهور؛ موتور پیش‌ران تحول صنعت گردشگری

فناوری در طول تاریخ همواره یکی از موتورهای پیش‌ران تحول صنعت گردشگری بوده و مسیر این صنعت را در مقاطع مختلف دگرگون ساخته است. از قرن نوزدهم که برای نخستین بار امکان سفر انبوه طبقات مختلف اجتماعی به شهرهای ساحلی انگلستان را فراهم کرد، تا گسترش پروازهای بین‌المللی از زمان قیمت در دهه ۱۹۶۰ که مقصد‌هایی همچون مایورکا و سواحل اسپانیا را به عرصه حضور میلیون‌ها گردشگر از سراسر جهان بدل نمود، پیشرفت‌های فناوریانه بارها موج‌های تازه‌ای از رشد و تحول را ایجاد کرده‌اند.

با این حال، در دهه‌های اخیر، نقش محرک اصلی از حوزه صرفاً حمل‌ونقل فراتر رفته و به فناوری‌های دیجیتال و ارتباطی منتقل شده‌است فناوری‌هایی که نه تنها دسترسی به مقاصد را تسهیل کرده‌اند، بلکه با دگرگون ساختن شیوه‌های زندگی، کار و تعاملات اجتماعی، بنیان‌های مفهومی گردشگری را نیز تغییر داده و مرزهای آن را به حوزه‌هایی نظیر تجربه‌های مجازی، اقامت‌های بلندمدت کاری و شبکه‌های اجتماعی گسترش داده‌اند.

تحولات فناورانه و تغییر الگوهای

گردشگری

با فراگیر شدن اینترنت، مرز میان افراد مقیم یک منطقه و گردشگران کمرنگ‌تر از گذشته شده‌است. ظهور پدیده‌هایی چون «کارا زاره دور» و «کوچ‌نشینان دیجیتال» (Digital Nomads) این امکان را فراهم کرده که افراد بدون الزام به حضور فیزیکی در محل کار، زندگی و کار را در مقاصد گردشگری تجربه کنند. این تغییرات باعث شده برخی شهرها با موج جدیدی از ساکنان موقت مواجه شوند که اثرات اجتماعی بر اقتصادی و زیست محیطی متفاوتی بر جای می‌گذارد.

همچنین رسانه‌های اجتماعی نیز نقش پررنگی در شناسایی و ترویج مقاصد گردشگری جدید ایفا می‌کنند. تجربه‌شهر

راکاسودر ایتالیا در ژانویه ۲۰۲۵ که به واسطه

چند ویدیوی ویرال در تیک‌تاک توسط یک اینفلوئنسر محلی با هجوم بی‌سابقه گردشگران روبه‌رو شد، نمونه بارزی از این اثرگذاری محسوب می‌شود. این پدیده فناورانه و مبتنی بر رسانه‌های اجتماعی، هم فرصت اقتصادی ایجاد می‌کند و هم

چالش‌های مدیریتی و زیست محیطی متعددی نیز در پی دارد.

از سوی دیگر، پلتفرم‌های آنلاین همچون «Airbnb» که در سال ۲۰۲۴ بیش از ۵ میلیون ملک را برای مقاصد گردشگری واقت‌مسافران فهرست کرده‌اند، فاصله جغرافیایی میان عرضه‌کنندگان خدمات این حوزه و مشتریان جهانی را حذف نموده‌اند. این مدل کسب‌وکار، دسترسی

بی‌واسطه به اقامتگاه‌ها را تسهیل کرده و در عین حال باعث افزایش قیمت مسکن و تغییر ساختار محلی با هجوم بی‌سابقه مقاصد شده است.

هوش مصنوعی و آینده مدیریت

گردشگری

هوش مصنوعی نیز ظرفیت‌های متعددی برای ارتقای مدیریت و تجربه گردشگری دارد. یکی از کاربردهای کلیدی این فناوری نو ظهور، تحلیل پیش‌بینی محور برای تصمیم‌گیری در مقاصد سفر بر دمانند بارسلونا و ونیز است. به عبارت دیگر، این فناوری می‌تواند از طریق تحلیل کلان داده‌ها، الگوهای سفر را پیش‌بینی کرده و سیاست‌گذاران را در اتخاذ تدابیر

لازم برای کاهش فشار بر اکوسیستم‌ها

به قبل و بعد از خود تقسیم کند.

به عبارتی می‌توان گفت که تجربه تحقق کودتا توسط کشورهای غربی مدعی آزادی بیان و دموکراسی در کشور ایران، یک تجربه زیسته از واقعیت کشورهای جهان غرب و شعارهایشان برای مردم ایران ساخت. مردم پس از کودتا بهتر می‌دانستند که تیغ استعمار، با غلاف دموکراسی و تجدد بنّده تر هم می‌شود. همین تجربه زیسته و موارد متعدد دیگری قبل و بعد از آن بود که ذهنیت و در نتیجه ی آن، واکنش مردم ایران به رابطه با آمریکا و کشورهای اروپایی را مشخص کرد. سرنوشت تلخ مصدق در تلاش برای همکاری با آمریکا در مقابل رویکرد استعماری انگلستان نیز یکی از دردناک‌ترین و ارزشمندترین تجربه‌هایی است که در توشه تاریخ معاصر ایران انباشته شده است. اینجاست که مشخص می‌شود این ادعا که تیرگی روابط ایران و آمریکا به تسخیر سفارت آمریکا برمی‌گردد، تا چه اندازه ساده‌انگاره و خام‌دستانه است و اگر کسی کتاب تاریخ را عمده‌اند به عکس در دست نگرفته باشد دچار چنین سوء تفاهم‌هایی نخواهد شد! کودتای ۲۸ مرداد نه صرفاً یک واقعه‌ی تاریخی، که یکی از مبداهای تاریخ معاصر ایران است که گویی شرایط پس از خود را به نقطه غیر قابل باگشتی می‌رساند. از این رو مطالعه‌ی کمّ و کیف آن برای هرانسان ایرانی که نسبت به سرنوشت جامعه خود، دغدغه‌مند کنش اجتماعی است، مهم می‌نماید. کتاب «بررسی نقش سرویس‌های اطلاعاتی انگلیس و آمریکا در کودتای ۲۸ مرداد» نوشته علی اکبر عاصیان، همان چیزی است که می‌تواند ما را به این هدف، نزدیک کند.

رویکرد موضوعی و هدفمند

کودتای ۲۸ مرداد یکی از بحث برانگیزترین وقایع تاریخی است و به لطف همین ویژگی نیز کُتب متعددی در مورد آن نوشته شده است. وجه تمایز این کتاب در برخورد با این رویداد تاریخی در پرداخت موضوعی و محدود به یک زاویه خاص از این اتفاق است. این کتاب نیز در صدد به نمایش گذاردن سیر وقوع وقایع منتهی به کودتا ۲۸ مرداد است اما این بار آن را از دریچه نقش و شیوه عمل سرویس‌های اطلاعاتی و امنیتی کشورهای آمریکا و انگلستان در تحقیق بررسی می‌کند. همین تمرکز موضوعی و هدفمند موجب غنای محتوایی بیشتر کتاب در پرداختن به مسئله مدنظر خود است و می‌تواند کتاب را به یکی از منابع قابل ارجاع برای دانشجویان و پژوهشگران این حوزه تبدیل کند.

بیان مستقیم

یکی از نقاط مثبت کتاب، که البته بدیهی‌ترین ویژگی‌ای است که از هر کتاب تاریخی انتظاری‌رود، بیان مستند است. کتاب تقریباً صفحه‌ای بدون باور فنی ندارد و خط به خط ادعاهای نویسنده به اسناد، روزنامه‌ها و نقل قول‌های مکتوب مستند است اما چیزی که وجه استناددهی این کتاب را جالب‌تر از یک ویژگی بدیهی صرف می‌کند، استفاده از اسناد منتشرشده توسط خود سرویس‌های امنیتی و اطلاعاتی انگلیس و آمریکا است. نویسنده در بیشتر کتاب در حال استفاده خودگویی‌های سازمان‌های جاسوسی آمریکا در اسناد با یگانی ایشان است. اسنادی که سال‌ها پس از وقوع کودتا، توسط مأموران سابق و سازمانی مثل سیا، با وقاحت تمام در دسترس روزنمشر شدند. در سال ۱۹۸۹، وزارت خارجه آمریکا بخشی از اسناد مربوط به کودتا را منتشر کرد. این اسناد، هرچند حاوی اطلاعات مفیدی بودند، اما به طور کامل نقش آمریکا و بریتانیا را در کودتا آشکار نمی‌کردند. در نهایت، در سال ۲۰۱۷، سیا مجموعه اسنادی را منتشر

تک‌نرخ‌شدن آغاز شد و در اواسط دولت دوم آقای خاتمی این سیاست

به‌طور کامل محقق شد. نتیجه‌آن نیز کاهش تورم افزایش سرمایه‌گذاری و رشد تولید ناخالص داخلی بود. مظاهری تصریح کرد: نتیجه‌نگاه چند نرخی به ارز ایجاد رانت، فساد و مفاسدی همچون ارز ۴۲۰۰ تومانی بود که خسارت‌های زیادی به کشور وارد کرد. وی افزود: در دولت چهاردهم، حسن قضیه این است که رئیس‌جمهور برخلاف برخی رؤسای جمهور قبلی اسرار پزید شخصی ندارد و از نظر کارشناسی نمی‌تواند این تغییر را نیز محاسبه اقتصاد تک‌نرزی تحصیل کرده در حوزه اقتصاد است که می‌تواند این مسیر را با پشتوانه علمی پیش ببرد.

رئیس کل اسبق بانک مرکزی تأکید کرد: تک‌نرخی شدن ارز قابل تحقق نیست و باید شرایط آن به گونه‌ای باشد که امکان تغییر این تغییر را نیز محاسبه و برای آنها راهکارهای اجرایی طراحی کند، همچنین بانک مرکزی باید همراهی کامل داشته باشد و جلوی رانت خواران و ویژه‌خواران ایستادگی کند و در ادامه گفت: هیچ مانع قانونی برای اجرای این سیاست وجود ندارد و اگر هم جایی خلأ قانونی باشد، باید یک لایحه ساده قابل اصلاح است. مشکل اصلی، گروه‌های ذی‌نفعی هستند که از نظام چند نرزی سود می‌برند و در برابر تغییر مقاومت می‌کنند. با این مقدمه چند مزیت تک نرخی کردن ارز را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

حذف زمینه‌های رانت و فساد

این گزارش حاکی است یکی از پیامدهای منفی چند نرخی بودن ارز، ایجاد بستر امن برای سود جویانی است که بدون فعالیت مولد، صرفاً از

باری دهد. همچنین، هوش مصنوعی همراه با فناوری واقعیت مجازی (VR) و تغییر ساختار محلی با هجوم بی‌سابقه مقاصد شده است.

این نوع گردشگری مجازی، به‌ویژه برای مقاصد با ظرفیت زیست محیطی محدود یا آسیب‌پذیر، فرصتی برای کاهش فشار فیزیکی گردشگران و ایجاد منبع درآمد جدید به‌شمار می‌رود. با این حال، تجربه تاریخی نشان می‌دهد که رسانه‌ها و فناوری‌هایی از این دست، مشابه تأثیر مستند‌های حیات وحش که باعث رشد سفر به مقاصد فریقایبی شده‌است، اغلب به‌جای جایگزینی سرنوشت واقعی، اشتیاق برای کلان داده‌ها، الگوهای سفر را پیش‌بینی کرده و سیاست‌گذاران را در اتخاذ تدابیر لازم برای کاهش فشار بر اکوسیستم‌ها

یاری دهد. همچنین، هوش مصنوعی

همراه با فناوری واقعیت مجازی (VR) می‌تواند تجربه «سفر مجازی» را فراهم آورد. این نوع گردشگری مجازی، به‌ویژه برای مقاصد با ظرفیت زیست محیطی محدود یا آسیب‌پذیر، فرصتی برای کاهش فشار فیزیکی گردشگران و ایجاد منبع درآمد جدید به‌شمار می‌رود. با این حال، تجربه تاریخی نشان می‌دهد که رسانه‌ها و فناوری‌هایی از این دست، مشابه تأثیر مستند‌های حیات وحش که باعث رشد سفر به مقاصد فریقایبی شده‌است، اغلب به‌جای جایگزینی سرنوشت واقعی، اشتیاق برای کلان داده‌ها، الگوهای سفر را پیش‌بینی کرده و سیاست‌گذاران را در اتخاذ تدابیر لازم برای کاهش فشار بر اکوسیستم‌ها

یاری دهد. همچنین، هوش مصنوعی همراه با فناوری واقعیت مجازی (VR) می‌تواند تجربه «سفر مجازی» را فراهم آورد. این نوع گردشگری مجازی، به‌ویژه برای مقاصد با ظرفیت زیست محیطی محدود یا آسیب‌پذیر، فرصتی برای کاهش فشار فیزیکی گردشگران و ایجاد منبع درآمد جدید به‌شمار می‌رود. با این حال، تجربه تاریخی نشان می‌دهد که رسانه‌ها و فناوری‌هایی از این دست، مشابه تأثیر مستند‌های حیات وحش که باعث رشد سفر به مقاصد فریقایبی شده‌است، اغلب به‌جای جایگزینی سرنوشت واقعی، اشتیاق برای کلان داده‌ها، الگوهای سفر را پیش‌بینی کرده و سیاست‌گذاران را در اتخاذ تدابیر لازم برای کاهش فشار بر اکوسیستم‌ها

یاری دهد. همچنین، هوش مصنوعی همراه با فناوری واقعیت مجازی (VR) می‌تواند تجربه «سفر مجازی» را فراهم آورد. این نوع گردشگری مجازی، به‌ویژه برای مقاصد با ظرفیت زیست محیطی محدود یا آسیب‌پذیر، فرصتی برای کاهش فشار فیزیکی گردشگران و ایجاد منبع درآمد جدید به‌شمار می‌رود. با این حال، تجربه تاریخی نشان می‌دهد که رسانه‌ها و فناوری‌هایی از این دست، مشابه تأثیر مستند‌های حیات وحش که باعث رشد سفر به مقاصد فریقایبی شده‌است، اغلب به‌جای جایگزینی سرنوشت واقعی، اشتیاق برای کلان داده‌ها، الگوهای سفر را پیش‌بینی کرده و سیاست‌گذاران را در اتخاذ تدابیر لازم برای کاهش فشار بر اکوسیستم‌ها

یاری دهد. همچنین، هوش مصنوعی همراه با فناوری واقعیت مجازی (VR) می‌تواند تجربه «سفر مجازی» را فراهم آورد. این نوع گردشگری مجازی، به‌ویژه برای مقاصد با ظرفیت زیست محیطی محدود یا آسیب‌پذیر، فرصتی برای کاهش فشار فیزیکی گردشگران و ایجاد منبع درآمد جدید به‌شمار می‌رود. با این حال، تجربه تاریخی نشان می‌دهد که رسانه‌ها و فناوری‌هایی از این دست، مشابه تأثیر مستند‌های حیات وحش که باعث رشد سفر به مقاصد فریقایبی شده‌است، اغلب به‌جای جایگزینی سرنوشت واقعی، اشتیاق برای کلان داده‌ها، الگوهای سفر را پیش‌بینی کرده و سیاست‌گذاران را در اتخاذ تدابیر لازم برای کاهش فشار بر اکوسیستم‌ها

یاری دهد. همچنین، هوش مصنوعی همراه با فناوری واقعیت مجازی (VR) می‌تواند تجربه «سفر مجازی» را فراهم آورد. این نوع گردشگری مجازی، به‌ویژه برای مقاصد با ظرفیت زیست محیطی محدود یا آسیب‌پذیر، فرصتی برای کاهش فشار فیزیکی گردشگران و ایجاد منبع درآمد جدید به‌شمار می‌رود. با این حال، تجربه تاریخی نشان می‌دهد که رسانه‌ها و فناوری‌هایی از این دست، مشابه تأثیر مستند‌های حیات وحش که باعث رشد سفر به مقاصد فریقایبی شده‌است، اغلب به‌جای جایگزینی سرنوشت واقعی، اشتیاق برای کلان داده‌ها، الگوهای سفر را پیش‌بینی کرده و سیاست‌گذاران را در اتخاذ تدابیر لازم برای کاهش فشار بر اکوسیستم‌ها

یاری دهد. همچنین، هوش مصنوعی همراه با فناوری واقعیت مجازی (VR) می‌تواند تجربه «سفر مجازی» را فراهم آورد. این نوع گردشگری مجازی، به‌ویژه برای مقاصد با ظرفیت زیست محیطی محدود یا آسیب‌پذیر، فرصتی برای کاهش فشار فیزیکی گردشگران و ایجاد منبع درآمد جدید به‌شمار می‌رود. با این حال، تجربه تاریخی نشان می‌دهد که رسانه‌ها و فناوری‌هایی از این دست، مشابه تأثیر مستند‌های حیات وحش که باعث رشد سفر به مقاصد فریقایبی شده‌است، اغلب به‌جای جایگزینی سرنوشت واقعی، اشتیاق برای کلان داده‌ها، الگوهای سفر را پیش‌بینی کرده و سیاست‌گذاران را در اتخاذ تدابیر لازم برای کاهش فشار بر اکوسیستم‌ها

یاری دهد. همچنین، هوش مصنوعی همراه با فناوری واقعیت مجازی (VR) می‌تواند تجربه «سفر مجازی» را فراهم آورد. این نوع گردشگری مجازی، به‌ویژه برای مقاصد با ظرفیت زیست محیطی محدود یا آسیب‌پذیر، فرصتی برای کاهش فشار فیزیکی گردشگران و ایجاد منبع درآمد جدید به‌شمار می‌رود. با این حال، تجربه تاریخی نشان می‌دهد که رسانه‌ها و فناوری‌هایی از این دست، مشابه تأثیر مستند‌های حیات وحش که باعث رشد سفر به مقاصد فریقایبی شده‌است، اغلب به‌جای جایگزینی سرنوشت واقعی، اشتیاق برای کلان داده‌ها، الگوهای سفر را پیش‌بینی کرده و سیاست‌گذاران را در اتخاذ تدابیر لازم برای کاهش فشار بر اکوسیستم‌ها

یاری دهد. همچنین، هوش مصنوعی همراه با فناوری واقعیت مجازی (VR) می‌تواند تجربه «سفر مجازی» را فراهم آورد. این نوع گردشگری مجازی، به‌ویژه برای مقاصد با ظرفیت زیست محیطی محدود یا آسیب‌پذیر، فرصتی برای کاهش فشار فیزیکی گردشگران و ایجاد منبع درآمد جدید به‌شمار می‌رود. با این حال، تجربه تاریخی نشان می‌دهد که رسانه‌ها و فناوری‌هایی از این دست، مشابه تأثیر مستند‌های حیات وحش که باعث رشد سفر به مقاصد فریقایبی شده‌است، اغلب به‌جای جایگزینی سرنوشت واقعی، اشتیاق برای کلان داده‌ها، الگوهای سفر را پیش‌بینی کرده و سیاست‌گذاران را در اتخاذ تدابیر لازم برای کاهش فشار بر اکوسیستم‌ها

یابند، نه تنها قادر به کاهش فشار بر مقاصد نخواهند بود، بلکه با تسهیل دسترسی بی‌ضابطه و تحریک تقاضا، خود می‌توانند به تشدید پدیده «گردشگری بی‌رویه» (Overtourism) و آسیب‌های اجتماعی، فرهنگی و زیست محیطی ناشی از آن منجر شوند.

فناوری همچنان در قلب تحول صنعت گردشگری قرار دارد، اما اثرگذاری آن امروز پیچیده‌تر و چندوجهی‌تر از گذشته شده است. از یک سو، پلتفرم‌های دیجیتال، رسانه‌های اجتماعی و هوش مصنوعی ابزارهایی بی‌سابقه برای توسعه پایدار، شخصی‌سازی تجربه سفر و مدیریت هوشمند مقاصد گردشگری فراهم می‌کنند. این فناوری‌هایی توانمند تحلیل کلان داده‌ها، پیش‌بینی جریان‌های مسافرتی و هدایت پخش مقاصد کمتر شناخته شده، هم به توزیع متوازن تر گردشگران کمک‌کنند و هم ظرفیت اکوسیستم‌ها را حفظ نمایند.

از سوی دیگر، فقدان سیاست‌گذاری مبتنی بر داده، چارچوب‌های مقرراتی شفاف و سازوکارهای نظارت کارآمد می‌تواند موجب شود همین ابزارها فشار مضاعفی بر مقاصد پرطرفدار وارد کنند، ساختارهای اجتماعی محلی را دگرگون سازند و آسیب‌های زیست محیطی را تشدید نمایند.

در نهایت به‌نظری رسد که آینده گردشگری فناورانه در گرو ایجاد توازن میان نوآوری، حفاظت از منابع طبیعی و فرهنگی و رعایت منافع اقتصادی و اجتماعی جوامع میزبان است. تحقق این توازن، نیازمند هم‌افزایی و همکاری چندسطحی میان دولت‌ها، بخش خصوصی، نهادهای بین‌المللی و جامعه مدنی است تا چارچوبی مشترک برای استفاده پایدار و مسئولانه از فناوری در گردشگری ترسیم شود. «دربار

مسیر، بهره‌گیری از رویکردهای مبتنی بر شواهد، سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های هوشمند و تقویت آگاهی عمومی نسبت به آثار این پدیده، از ملزومات اساسی به شمار می‌رود.

کرد که نقش آمریکا و بریتانیا را در کودتای ۲۸ مرداد به طور کامل نشان می‌داد. شاید

به عنوان وسیله‌ای برای بازخیزد آبروی از دست رفته ی سرویس‌های اطلاعاتی شان و بیان ذوق زنگی ناشی از یک پروژه ی به زعم خودشان موفق و شاید برای تجربه نگاری و اقداماتی از این دست. البته حجم این اسناد به قدری بالا و جزئیات آن شگفت و قابل توجه است که حتی پس از انتشار این کتاب نیز اسناد جدیدی در این خصوص منتشر و در کتب تازه چاپ دیگری استفاده شده است که در این مجال فرصت بیان آن‌ها نیست.

مواجه فعال و رویکرد پژوهشگرانه در مطالعه اسناد

از سویی نویسنده در مواجهه با این اسناد، رویکرد پژوهشگرانه خود را حفظ کرده است؛ برای مثال اطلاعات اسناد مختلف را با یکدیگر مقایسه و تقاطع گیری می‌کند تا هم بتواند جوابی برای قسمت‌های مبهم تاریخ پیدا کند و هم روی اشتباهات مصطلح، قلم فرم‌کننده را از دل ناخودآگاه تفنّات مستند، بیرون می‌کشد. کنا دست یک پژوهشگر تاریخ‌نشته‌اید که اسناد را به ترتیب سیر وقوع نشان‌شان تا می‌دهد، وقایع مرتبط و مهم پیرامونی را پیوست می‌کند و رمز اسناد را می‌گشاید تا موضوع مدنظر خود را خوب در ذهن شما، جا انداخته باشد. نویسنده به معنای کلام در حال روایت اسناد است و داستان خود را از دل ناخودآگاه تفنّات مستند، بیرون می‌کشد.

اما باید در نظر گرفت که علی‌رغم پرداخت موشکافانه، حجم کتاب بالاست و طبیعتاً به همین علت بخشی از مخاطبین خود را از دست می‌دهد؛ البته اگر خواننده از جرگه آدم‌های عاشق تاریخ نباشد، چون در بخش‌های متعددی که متن یک مقاله ی منتشر شده در روزنامه‌ای قدیمی آمده و موجب اطّاله ی کلام شده است، هم چنان برای آدم‌های دوست‌دار تاریخ در موشکافی لحن و کلمات چهره‌های تاریخی نکات قابل توجهی یافت می‌شود. نثر کتاب ساده و روان است اما می‌توانست بیان داستانی‌تر و روان‌تر داشته باشد. به گونه‌ای که برای مثال نیاز به تکرار چندبار اسم طولانی یک شخصیت تاریخی در جمله یی دربی، نیاز به دسند و دست انداز در حین خواندن متن ایجاد نکند. حجم خوبی از صفحات کتاب به ارائه تصاویر وقایع و چهره‌های تاریخی محل بحث اختصاص داده شده که همین ویژگی ساده در باورپذیر کردن مدعا و خیس خوانش در ذهن مخاطب، بسیار کمک‌کننده است.

یکی از نکات جالب توجه، اطلاعات مفیدی است که از شناخت جامعه ایرانی سال‌های وقوع کودتا به دست می‌دهد. اطلاعاتی که به سبب ارتباطی که با شرایط کنونی کشور در مواجهه با بیگانگان در شرایط جنگ ۱۲ روزه دارد، مهم‌تر می‌نماید. این اطلاعات از آن جهت که مأخوذ از گزارش نیروهای اطلاعاتی آمریکایی و انگلیسی هستند، بشماای خوبی از تصویرسیر شناخته شده مردم ایران در ذهنیت سیاستمداران و صاحبان قدرت در کشورهای غربی نیز به دست می‌دهند. برای مثال در بخش‌هایی از گزارش مامور ویلبر در صفحه ۲۲ کتاب می‌خوانیم: «هر دو طرف می‌دانستند که مضامین ملی گرایانه در ایران‌پران اثر می‌کند. هر دو طرف، مزاجه (مصدق) و طرفداران محمد رضا شاه) به گذشته با شکوه ایران ارجاع می‌دادند و در عین حال در پی کسب حمایت چهره‌های مذهبی از آرم‌ها و اهدافشان نیز بودند و می‌دانستند که برای جلب توجه مردم ایران باید ظاهر ضد استعماری به خود بگیرند!»

تفاوت نرخ‌ها سودهای هنگفت به دست می‌آورد. وقتی نرخ رسمی بسیار پایین‌تر از بازار آزاد تعیین شود، رقابت اصلی نه در تولید یا افزایش بهره‌وری؛ بلکه در کسب مجوز یا دسترسی به ارز ارزان‌تر متمرکز می‌شود. این وضعیت، نه تنها منابع ارزی کشور را هدر می‌دهد، بلکه اتحاد دولت-بخش خصوصی را به چالش می‌کشد. در صورت اجرای سیاست تک‌نرخی، تمام فعالان اقتصادی از بازار نرخ واحد تهیه می‌کنند و دیگر امکان سوء استفاده از تفاوت قیمت‌ها از بین می‌رود. این شفافیت، علاوه بر کاهش فساد، باعث می‌شود مسیر تخصیص منابع بر اساس اولویت‌های اقتصادی واقعی و نه روابط شخصی یا وابستگی شکل گیرد.

در دهه ۱۳۰۰ میلادی، ارزتین با حذف نرخ‌های متعدد و تعیین نرخ ثابت در برابر دلار توانست در کوتاه‌مدت جلوی سوء استفاده‌های گسترده را بگیرد و اعتماد عمومی به سیستم تجارت خارجی را بازگرداند، هرچند بعدها ضعف ذخایر ارزی باعث چالش‌هایی شد.

بهبود پیش‌بینی پذیری اقتصادی

ثبات و پیش‌بینی‌پذیری نرخ ارز یکی از پیش‌شرط‌های اصلی در تصمیم‌گیری اقتصادی است. زمانی که نرخ ارز در بازار واحد و شفاف باشد، بنگاه‌های تولیدی و خدماتی می‌توانند با اطمینان بیشتری نسبت به خرید مواد اولیه، عقد قراردادهای صادراتی یا برنامه‌ریزی واردات اقدام کنند.

در شرایط چند نرخی، اغلب فعالان اقتصادی مجبورند برای هرسانوی

کلام امیر

از کسانی نباش که بدون عمل امید سعادت اخروی دارند و توبه را با آرزوهای دور و دراز به تأخیر می‌اندازند، درباره دنیا همچون زاهدان سخن می‌گویند؛ ولی در آن همچون دنیاپرستان عمل می‌کنند. اگر چیزی از دنیا به وی برسد سیر نمی‌شود و اگر نرسد هرگز قانع نخواهد بود. از شکر آنچه به او داده شده عاجز است؛ ولی بازم هوش فزونی می‌طلبد. دیگران را از کار بدیاد می‌دارد ولی خود نمی‌نمی‌پذیرد و دیگران را به کار خوب وامی‌دارد؛ ولی خودش به آن عمل نمی‌کند.

خبر

جنگ ۱۲ روزه آمادگی نیروهای مسلح برای دفاع از کشور را افزایش داد

هوشیاری؛ ارمنان جنگ برای ایران

جنگ تحمیلی ۱۲ روزه که با تجاوز رژیم صهیونیستی به خاک ایران آغاز و با حملات آمریکایه مراکز هسته‌ای کشور همراه بود، نقطه عطفی در تاریخ دفاعی جمهوری اسلامی ایران بود. این نبرد، که با پاسخ کوبنده نیروهای مسلح ایران و وحدت ملی بی‌نظیر مردم همراه شد، نه تنها هیمنه پوشالی رژیم صهیونیستی را فرو ریخت، بلکه جایگاه ایران را به عنوان یک قدرت تعیین‌کننده در معادلات منطقه‌ای و جهانی تثبیت کرد.

ایجاد جنگ ۱۲ روزه و دستاوردهای نظامی ایران

جنگ ۱۲ روزه، که با حمله رژیم صهیونیستی و شهادت جمعی از فرماندهان ارشد، دانشمندان هسته‌ای و غیرنظامیان همراه بود، آزمونی بزرگ برای توان دفاعی ایران بود. با وجود غافلگیری اولیه، نیروهای مسلح ایران با بسیج سریع توان خود، پاسخ‌هایی کوبنده و گسترده به دشمن دادند. سامانه‌های پدافند هوایی چندلایه رژیم صهیونیستی، که پیش‌تر به عنوان نفوذناپذیر تبلیغ می‌شدند، در برابر موشک‌های بالستیک و پهپادهای ایرانی ناکارآمد شدند. عملیات «وعده صادق ۳» با ۲۲ موج حملات موشکی و پهپادی، مراکز حساس نظامی، راهبردی و تحقیقاتی رژیم صهیونیستی را هدف قرار داد و خسارت‌های سنگینی به زیرساخت‌های دشمن وارد کرد. این عملیات، به گفته کارشناس مسائل نظامی و سیاسی، تنها بخشی از توان نظامی ایران را به نمایش گذاشت و بخش اعظم قدرت دفاعی کشور همچنان در پرتو اینهم باقی مانده است.

سرلشکر موسوی: پاسخ کوبنده‌تر در انتظار متجاوزان

سرلشکر سید عبدالرحیم موسوی، رئیس ستاد کل نیروهای مسلح، در پیام‌ها و سخنرانی‌های خود پس از جنگ ۱۲ روزه، بارها بر آمادگی بی‌سابقه نیروهای مسلح برای دفاع از کشور تأکید کرده است. او در مراسم ی‌ربعین شهدای جنگ ۱۲ روزه اظهار داشت: دست ما هم برای مذاکره و هم برای جنگ پر است. ملت ایران جنگ‌طلب نیست،



اما اگر دشمنان قصد تجاوز مجدد داشته باشند، پاسخ ما کوبنده‌تر و متفاوت خواهد بود. امیر موسوی با اشاره به نقش کلیدی وحدت ملی و توان بومی نیروهای مسلح در توقف ماشین جنگی دشمن، افزود: ایران اراده خود را بر آمریکا و رژیم صهیونیستی تحمیل کرد، ما تحرکات دشمن را رصد می‌کنیم و در صورت هرگونه خطای راهبردی، متجاوزان را به سیاه‌حاله‌های تاریخ خواهیم فرستاد.

او همچنین از نقش نیروی انتظامی (فراجا) در تأمین امنیت داخلی طی این جنگ تمجید کرد و گفت: فراجا با حضور مؤثر و هماهنگ با نیروهای مسلح، امنیت ملی را تضمین کرد.

امیر سرلشکر خاتمی: همدلی ارتش و سپاه، کلید پیروزی

امیر سرلشکر امیر خاتمی، فرمانده کل ارتش، در دیدار صمیمانه با فرمانده سپاه، بر هم‌افزایی بی‌نظیر ارتش و سپاه در جنگ ۱۲ روزه تأکید کرد. او اظهار داشت: همدلی و هماهنگی ارتش و سپاه در این نبرد، فرمول بی‌نظیری برای پیروزی بود. این اتحاد، دشمن را در بهت و حیرت فرو برد و نشان داد که نیروهای مسلح ایران آماده مقابله با هر تهدیدی هستند.

امیر خاتمی همچنین به ارتقای توان پدافندی ارتش پس از جنگ اشاره کرد و گفت: تجربه جنگ ۱۲ روزه، نقاط قوت و ضعف ما را مشخص کرد. امروز سامانه‌های پدافندی ما به سطحی از آمادگی رسیده‌اند که هرگونه تجاوز احتمالی را در نقطه خفه خواهند کرد. این اظهارات نشان دهنده تمرکز ارتش بر تقویت زیرساخت‌های دفاعی و آمادگی برای پاسخ سریع به تهدیدات است.

سرلشکر پاکویر: آمادگی رزمی سپاه در اوج است

سرلشکر محمد پاکویر، فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، نیز اظهاراتی بر آمادگی رزمی بالای یگان‌های سپاه تأکید کرد. او گفت: سپاه پاسداران در جنگ ۱۲ روزه نشان داد که توان پاسخگویی به هرگونه تهدید در کوتاه‌ترین زمان را دارد. رزمندگان ما با ضربات بی‌دری، هیمنه دفاعی دشمن را در هم شکستند.

اقتدار بی‌مانده ایران پس از نبرد ۱۲ روزه: آماده پاسخ کوبنده به هر تهدید

سردار پاکویر همچنین به نقش نیروی قدس در تقویت محور مقاومت اشاره کرد و افزود: جبهه مقاومت امروز قدرتمندتر از همیشه است و هرگونه ماجراجویی دشمن با پاسخ قاطع ترو مواجه خواهد شد. بیانه رسمی سپاه نیز بیان جنگ را «نمایش اقتدار نظامی و وحدت ملی» توصیف کرد و بر آمادگی کامل برای دفاع از کشور تأکید داشت.

سردار نجات: پدافند ایران در بالا برین مسلح آمادگی است

سردار حسین نجات، جانشین فراگاه امام‌الله (ع)، در مراسم گرامی داشت شهدای اقتدار ارتش، بر آمادگی بی‌سابقه سامانه‌های پدافندی ایران تأکید کرد. وی اظهار داشت: با وجود غافلگیری اولیه در جنگ، پاسخ ایران قاطع و منسجم بود. امروز پدافند ما به سطحی از توان عملیاتی رسیده که آماده مقابله با هرگونه تجاوز احتمالی است. نجات افزود که تجربه جنگ، روند ارتقای سامانه‌های دفاعی را تسریع کرده و نقاط ضعف شناسایی شده در حال رفع هستند.

آمادگی جهانی در پدافند ایران و بازدارندگی

کارشناسان نظامی معتقدند که جنگ ۱۲ روزه، نقطه عطفی در تقویت توان دفاعی ایران بود. ابراهیم عزیزی، رئیس کمیسیون امنیت ملی مجلس، اظهار داشت: نبرد ۱۲ روزه تنها بخشی از توان نظامی ایران را به نمایش گذاشت. قدرت دفاعی ما فراتر از این نبرد است و هرگونه تجاوز با واکنش شدید مواجه خواهد شد.

کارشناسان حقوق بین‌الملل نیز به تقویت ایران از نتیجه ترکیب اتحاد ملی، دیپلماسی هوشمندانه و اقتدار نظامی دانست و تأکید دارند: ایران با تکیه بر خودیاری نظامی و حمایت بی‌شمار ملت، دشمن را از زوهمانش بازداشت. این جنگ همچنین نشان داد که ایران در حوزه‌های موشکی، راداری، جنگ الکترونیک و پدافند هوایی به پیشرفت‌های چشمگیری دست یافته است.

وحدت ملی: سلاح اصلی در برابر تهدیدات

یکی از برجسته‌ترین دستاوردهای جنگ ۱۲ روزه، نمایش وحدت ملی بود. رهبر انقلاب در دیدار با مسئولان قوه قضائیه تأکید کردند: کار بزرگ مردم در این جنگ، از جنس عزم، اراده و اعتماد به نفس ملی بود. این وحدت، محاسبات دشمن را برهم زد. این انسجام، به گفته فتح‌الله توسلی، نماینده مجلس، ملت ایران را از این آزمون بزرگ سرفراز بیرون آورد.

چشم‌انداز آینده: آمادگی برای پاسخ قاطع

اظهارات فرماندهان و تحلیلگران نشان می‌دهد که نیروهای مسلح ایران نه تنها از تجربه جنگ ۱۲ روزه درس‌های ارزشمندی آموخته‌اند، بلکه با تقویت زیرساخت‌های دفاعی، آماده پاسخگویی به هرگونه تهدید احتمالی هستند. سرلشکر موسوی در گفت‌وگو با مقامات قمری تأکید کرد: حاکمیت ایران در این جنگ به جهانیان ثابت شد و ما با تمام توان در برابر هرگونه استیلاگر دریم. سخنگوی ستاد کل نیروهای مسلح نیز هشدار داد: رژیم صهیونیستی درس بزرگی از این جنگ گرفت و در صورت تکرار تجاوز، با پاسخ قاطع‌تری روبرو خواهد شد. این پیام‌ها نشان دهنده عزم ایران برای حفظ بازدارندگی و دفاع از منافع ملی است. جنگ ۱۲ روزه، با وجود خسارت‌های شدید متجاوزان، به جهانیان ثابت کرد که ایران برای امنیت و آرامش ملت ایران و تضمینی برای حفظ استقلال و عزت کشور در برابر تهدیدات است.